

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سرالصلاة امام خمینی قدس سره ۱۳

ظاهر و باطن عبادات

حرف قرآن را بدان که ظاهر است زیر ظاهر باطنی هم قاهر است
ظاهر قرآن چو شخص آدمی است که نقوشش ظاهر و جانش حقی است

امام خمینی (قدس سره) در فصل مربوط به اسرار اذان و اقامه، به طرح مسأله‌ای پرداخته اند که به همه عبادات مربوط می‌شود و آن این است که اجمالاً عبادات در ورای ظاهر، باطن، لبّ و حقیقتی هم دارد که می‌توان از طریق عقل هم آن را فهمید؛ در عین حال شواهد بسیاری از روایات وجود دارد که امام راحل (ره) به برخی از آنها به این بیان اشاره می‌فرماید: «در اسرار اذان و اقامه:» از آن جمله، حدیث مشهور **الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ** (اعتقادات، مرحوم علامه مجلسی، ص ۲۹- از رسول الله ص) «نماز معراج مؤمن است.» از تفکّر و تدبّر در این حدیث شریف فتح ابوابی برای اهلش می‌شود، که ما از اکثر آن محجوب و محروم هستیم؛ و تمام بیانات سابقه از این حدیث شریف استفاده شود. و از آن جمله، حدیث شریف کافی است: **بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ**

السَّلَامُ، قَالَ: الْعِبَادَةُ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَوْفًا، فَبَلَغَتْ عِبَادَتُهُ الْعَبِيدَ؛ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ، فَبَلَغَتْ عِبَادَتُهُ الْأَجْرَاءَ؛ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ، فَبَلَغَتْ عِبَادَتُهُ الْأَخْرَارَ؛ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ. (وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۵. «ابواب مقدّمه العبادات، باب ۹، حدیث ۱). امام صادق علیه السلام فرمود: «عبادت بر سه گونه است: گروهی خداوند عزوجل را از ترس پرستیدند؛ آن عبادت (همچون) فرمانبری بردگان است. دسته‌ای (دیگر) به منظور نیل به پاداش عبادت خدا کردند و آن اطاعت مزدوران است. و قومی خدا را از روی محبت (و عشق) به او عبادت کردند؛ و آن عبادت آزادگان است و برترین عبادت است.» در وسائل از علل و مجالس و

خصال شیخ صدوق رضوان الله علیه سند به حضرت صادق سلام الله علیه رساند که فرمود: «مردم عبادت خدای عزوجل را بر سه گونه کنند: یک طبقه عبادت کنند برای رغبت ثواب، پس این عبادت حریصان است و این طمع است؛ و یک طایفه دیگر عبادت می‌کنند برای ترس از آتش، و این عبادت بندگان است و این ترس است؛ و لکن من عبادت او را می‌کنم برای حبّ به او و این عبادت کریمان است؛ و این امن است برای فرموده خدای عزوجل: **«وَهُمْ مِنْ فِرْعَیْ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ»**. (نمل / ۸۹) «... و ایشان از هول و هراس در آن روز ایمن باشند.» و لقوله عزوجل: **«قُلْ لَنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»** (آل عمران / ۳۱) «بگو اگر خدا را

دوست می دارید مرا پیروی کنید (تا) خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد.» **«فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ**
عَزَّوَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَعَالَى، وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ كَانَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.» (خصال، ص ۱۸۸، «باب الثلاثة» حدیث ۲۵۹). پس
هر کس خدای عزوجل را دوست بدارد، خداوند تعالی دوستش خواهد داشت؛ و هر کس که خدا دوستش بدارد
از امان یافتگان باشد.» و در نهج البلاغه نیز قریب به این مضامین وارد است؛ (حکمت / ۲۲۹) و از آن جمله
قول رسول اکرم است: **أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرِيكَ.** (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۴ «کتاب
الروضة»، «مواعظ النبی»، باب ۴، حدیث ۳) «خدا را عبادت کن آنچنانکه (گویی) او را می بینی؛ پس اگر تو او
را نمی بینی همانا او تو را می بیند.» و این اشاره به دو مقام از حضور قلب در معبود است، چنانچه پس از این
بیاید. و هم از آن حضرت حدیث شده: «همانا دو نفر مرد از امت من می ایستند به نماز، و رکوع و سجودشان
یکی است و حال آنکه مابین نماز آنها مثل مابین زمین و آسمان است.» (بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۹، «کتاب
الصلوة»، باب ۳۸، حدیث ۴۱) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث است که: «خوشا به حال آن کس
که خالص کند برای خدا عبادت و دعا را و مشغول نشود قلب او به آنچه که می بیند چشم او و نسیان نکند
ذکر خدا را به آنچه که گوشش می شنود و محزون نشود به آنچه که به غیر او عطا شود.» (وسائل الشیعة، ج
۱، ص ۴۳، «کتاب الطهارة»، «ابواب مقدمة العبادات»، باب ۸، حدیث ۳) و ما ذکر اخلاص را پس از این می
نماییم.»

سیر بیرونی است فعل و قول ما **سیر باطن هست بالای سما**

حضرت امام (قدس سره) بعد از اشاره به این روایات شریفه، می فرماید. «پس، از تدبّر در این احادیث شریفه و
تفکر در حال ائمه هدی سلام الله علیهم، که در وقت اداء این امانت الهیه رنگ بعضی از آنها متغیر می شد و
پشت بعضی می لرزید و بعضی از آنها از خود بی خود می شدند که از ماسوی الله به کلی غافل می شدند،
حتی از ملک بدن و مملکت وجود خود غفلت می کردند، معلوم شود که حقیقت این عبادت الهی و نسخه
جامعه، که برای خلاص این طائرهای قدسی (ارواح مؤمنین) از قفس تنگنای طبیعت (دنیا) به کشف تامّ محمدی
صلی الله علیه و آله ترتیب داده شده و به قلب مقدّسش نازل گردیده، همین صورت دنیای و هیئت ظاهره
ملکیّه نیست؛ چه که این صورت را هر عالم مسئله دان، یا عامی ابجد خوان می تواند به شرائط صحّت و کمال
صوری آن قیام کند و از عهده به خوبی برآید، دیگر این قدر تغییر الوان (تغییر رنگ چهره) و ارتعاد فرائض
(ارتعاش شانه) و خوف و خشیت از قصور و تقصیر معنی ندارد....» (سر الصلاة، ص ۵)

چون که یک حس در روش بگشاد بند **ما بقی حسّها همه مبدل شوند**

گشت غیبی بر همه حسها پدید

چون یک حس غیر محسوسات دید

در انتها حضرت امام (ره) می‌فرماید: «این فصل را به ذکر یک حدیث پایان می‌بریم، و آن کفایت کند؛ برای کسی که «لَمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» (ق / ۳۷) «او را دلی (هشیار) است یا با توجه کامل گوش (به کلام حق) بسپارد.»

امام راحل (قدس سره) به خاطر طولانی شدن توضیح این حدیث شریف، مطابق با مسلک اهل معرفت و تطبیق آن با ارکان و مقامات نماز. وعده می‌دهد که شاید در بعضی از مقامات اشاره ای به بعضی فقرات آن بنماید. اما حدیث این است: از کتاب فلاح السائل نوشته عارف سالک مجاهد ابن طاووس (رضی الله عنه) منقول است که در آن گفته حدیث شده رزام، غلام آزاد شده خالد بن عبدالله، که از اشقیا بود، در حضور ابوجعفر منصور (دوانیقی) از امام جعفر بن محمد (الصادق) علیهما السلام درباره نماز و حدود آن پرسید. آن حضرت علیه السلام

فرمود: «لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ حَدٍّ لَسْتُ تَقِي بِوَاحِدٍ مِنْهَا. فَقَالَ: أَخْبِرْنِي بِمَا لَا يَحِلُّ تَرْكُهُ وَلَا يَتِمُّ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَتِمُّ الصَّلَاةُ إِلَّا ذِي طَهْرٍ سَابِغٍ وَتَمَامٍ بِالْغَيْرِ نَازِعٍ وَلاَزَائِعٍ، عَرَفَ فَأَخْبَتْ فَتَبَّتْ وَهُوَ وَاقِفٌ بَيْنَ الْيَأْسِ وَالطَّمَعِ وَالصَّبْرِ وَالْجَزَعِ كَأَنَّ الْوَعْدَ لَهُ صُنْعٌ وَالْوَعِيدَ بِهِ وَقَعٌ، بَدَّلَ عَرَضَهُ وَتَمَثَّلَ عَرَضُهُ وَبَدَّلَ فِي اللَّهِ الْمُهْجَةَ وَتَنَكَّبَ إِلَيْهِ الْمَحْجَةَ غَيْرَ مُرْتَعِمٍ بِارْتِغَامٍ، يَشْطَعُ عَلَاتِيقَ الْإِهْتِمَامِ بِغَيْرِ مَنْ لَهُ قَصْدٌ وَإِلَيْهِ وَفَدٌ وَمِنْهُ اسْتَرْفَدٌ؛ فَإِذَا آتَى بِذَلِكَ كَانَتْ هِيَ الَّتِي تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...» (فلاح السائل، ص ۲۳). «نماز را چهار هزار حد است که تو

(حتی) یکی از آن حدود را تمام نتوانی کرد". رزام گفت: "مرا خبر ده از آنچه که ترک آن جایز نیست و نماز جز بدان تمام نمی‌گردد". فرمود: "نماز به کمال نمی‌رسد جز برای کسی (نمازگزاری) که دارای طهارتی همه جانبه و تمامیتی رسا باشد؛ نه دیگران را اغوا کند و نه خود از حق منحرف گردد؛ (خدا را) شناخته و سر تسلیم فرود آورده، استقامت و ثبات در پیش گیرد؛ بین نومییدی (از رحمت خدا) و طمع (به رحمت او) و میان

شکیبایی و بیتابی ایستاده باشد، گویی وعده نیکویی خدا (ثواب و پاداش) برایش عملی شده و وعده عذاب بر او واقع گشته؛ مال و متاع خود را (در راه خدا) بذل نموده و هدف خود را (از عبادت) پیش رو قرار داده و در راه خدا خون خود ارزانی کرده و در راه خدا از ماسوای او روی گردانده؛ در بینی بر خاک نهادن (در سجده) هیچ ناخوشایندی و کراهتی در دل ندارد؛ رشته‌های پیوند را به غیر آن کس که او را قصد کرده و به سویش روانه شده و از او عطا و یاری طلبیده، گسسته است؛ پس چون چنین نمازی به جای آورد، این همان نمازی است که از فحشا و منکر باز می‌دارد ...»

خود بینی آنچه دانستی نخست

هر چه پنهانست پیدا می‌شود

چون گذشتی از ره دانش درست

دیدۀ باطن چو بینا می‌شود

حضرت امام (ره) بعد از ذکر این حدیث شریف، نتیجه می‌گیرد: «اگر این چهار هزار حدّ که جناب صادق علیه السلام فرمودند از حدود ظاهریّه و آداب صوریّه بود، نمی‌فرمودند تو یکی از آنها را اداء نمی‌کنی و وفا نمی‌نمائی، زیرا که معلوم است که همه کس می‌تواند به آداب صوریّه نماز قیام کند. آری، قطع علاقه از غیر حقّ نمودن و وفود (وارد شدن، ورود) به حضرت او نمودن و بذل مُهجه در راه او کردن (خون خود را در راه او نثار نمودن) و ترک غیرو غیریت یکسره نمودن (اخلاص کامل داشتن)، از اموری است که برای هرکس میسر نشود جز اهل معارف الهیه و اولیای کُمل (کاملین) و محبّین و مجذوبین.» **فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ - وَ هَنِيئاً لِرَبَابِ النّعِيمِ نَعِيمُهُمْ.** «خوشا به حال آنان، باز خوشا به حالشان / گوارا باد برای صاحبان نعمت، نعمت هاشان.»

خوشا راهی که پایانش تو باشی
خوشا جانی که جانانش تو باشی
در آن خانه که مهمانش تو باشی
همه پیدا و پنهانش تو باشی

خوشا دردی که درمانش تو باشی
خوشا چشمی که رخسار تو ببند
همه شادی و عشرت باشد ای دوست
مشو پنهان از آن عاشق که پیوست